

## آفرین و ناآفرین در فرهنگ مردم بختیاری

عباس قنبری عدیوی<sup>۱</sup>

### چکیده

«فرهنگ مردم هر ملتی در حکم زندگی نامه و شرح احوال و سیرتهای توده‌ی عوام آن ملت، عامل اصلی و شاخص خصلت‌ها و تصویر اصیل آداب و عادات آن قوم و روشن‌گر سوابق تاریخی و نشان‌دهنده‌ی تحول فکری و تکامل اجتماعی مردم عوام آن کشور است.»

این عبارت فخیم و گران‌بایه از بزرگمرد عرصه‌ی پژوهش در فرهنگ عامه‌ی ایران شادروان سید ابوالقاسم انجوی شیرازی است. (انجوی، ۱۳۷۱: ۱۰) تحقیق در فرهنگ عامه تنها به رویکردهای ازدواج، مرگ، اقتصاد و دین ختم نمی‌شود. در این پژوهش میدانی به عبارتهای کوتاه و روزمره در زندگی عشایر بختیاری توجه شده است که در مقام دعا یا نفرین مورد استفاده قرار می‌گیرد. این جمله‌ها تصویری از مبحث مهم مردم‌شناسی معنوی است که می‌تواند به خاستگاه و عناصر واژگانی در فولکلور بختیاری اشاره کند.

**کلیدواژه‌ها:** آفرین، ناآفرین (نفرین)، دعا، فرهنگ عامه، فولکلور، بختیاری

---

۱. دانشجوی دکتری فولکلورشناسی دانشگاه دولتی تاجیکستان و مدرس دانشگاه شهرکرد

## مقدمه

زبان و عناصر بهره‌گیری از آن همچون جمله‌ها، واژه‌ها، ایما و اشاره‌ها همه و همه می‌تواند دست مایه‌ی تحقیق و پژوهشی مردم‌نگارانه قرار گیرد. میلیون‌ها واژه و جمله‌ای که هر روزه در کوی و کوه، برزن و جاده و دشت رد و بدل می‌شود، اندیشه ما را به خود مشغول می‌سازد که بشر از تبادل این اصوات به دنبال چیست؟ بخش کلانی از این نوشته‌ها یا گفته‌ها گاهی چنان رایج و ساری‌اند که کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار می‌گیرند. از این دست می‌توان به دعا، نفرین، دشنام، متلک و... اشاره کرد.

محیط و اکولوژی در زندگی مادی و معنوی بشر نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. بر همین اساس نگارنده کوشش نمود تا با حضور در بین عشایر بختیاری با جمع‌آوری مقادیر قابل توجهی از دعاها و نفرین‌های بزرگان و خردان، پیران و جوانان، زنان و مردان ایل و نحوه کاربرد روزمره‌شان به محتوا و کارکرد آنها نگاهی بیفکند. با تعمیم و گسترش این پژوهش میدانی و کاوش در ساختار، ریخت‌شناسی و تحلیل عناصر مفاهیمی چون دعا، نفرین، سوگند، تمنا و... می‌توان زمینه‌ی فعالیت مناسب و نویی را در پژوهش‌های ادبیات عامه و فرهنگ شفاهی یا فولکلور ایلات و عشایر باز جست. عناصر خاص زندگی عشایری (کوچ، دامداری، گذرگاه‌ها، ایل‌راه‌ها و احشام و...) سبب می‌شود که در ریخت‌شناسی فرهنگ مردم با خاستگاه و واژه‌های نوینی مواجه شویم که شاید در جای دیگری نیابیم. هرکدام از این عناصر نیز خود با زیر مجموعه‌هایی سرو کار دارند که می‌تواند در تنوع برداشت‌ها و نتیجه‌گیری از مطالعات قوم‌نگاری، مؤثر باشد. (حشمت‌اله طیبی، ۱۳۸۴: ۱۴۲)

این مقاله درصداً پاسخ به این پرسش‌هاست:

- ۱- عناصر اصلی دعا و نفرین در فرهنگ بختیاری چیست؟
  - ۲- واژه‌ها و جمله‌های حاوی دعا و نفرین چگونه است؟
  - ۳- کارکردهای دعا و نفرین در فرهنگ عامه بختیاری چیست؟
- علاوه بر این به داستانک‌ها و ضرب‌المثل‌هایی که در دعا و نفرین‌های فرهنگ

عامه‌ی بختیاری پرکاربرد هستند و خاستگاه آنها اشاره شده است. روش تحقیق در این مقاله بر اساس روش اسنادی (کتابخانه‌ای) و میدانی است.

### معنای لغوی و رویکرد ادبی

در فرهنگ فارسی برای واژه‌ی «آفرین»، معانی تحسین، ستایش، مدح، شکر، سپاس، تهنیت، تبریک، خوشی، خیر، سعادت، خوبی، نیکی، صلاح، آمرزش خواهی برای مرده، نظر سعد و یمن را می‌توان دید. (معین، ۱۳۶۴: ۷۲) در لغت‌نامه بزرگ دهخدا «آفرین»، دعای نیکی است و با فری، فریش، خه، خهی، به‌به و احسنت مترادف است. در این اثر برای آن معادل‌های شعری زیر را در ذیل واژه‌ی آفرین می‌خوانیم:

یکی یادگاری شد اندر جهان بر او آفرین از کهان و مهان  
سر نامه کرد آفرین از نخست بر آن کس که او دل ز کینه بشست

(فردوسی)

این زمستان بهار دولت اوست آفرین بر چنین زمستان باد

(مسعود سعد)

از رهی و حجت او خوان بر اوهر سحر ای باد هزار آفرین

(ناصر خسرو)

از نظر واژگانی نیز، «آفرین» مقابل نفرین، خواهش خیر و سعادت و نیکی است: بی‌آزاری و خامشی برگزین که گوید که نفرین به از آفرین؟

(دهخدا، ۱۳۷۲: ۱۲۲)

زمانی که کسی کار اشتباهی انجام می‌دهد بارکاً... و آفرین را با لحنی همراه با تغییر تن صدا و چهره به کار می‌بریم، فرد با در نظر گرفتن قرینه‌های مختلف آفرین را در معنای ناآفرین می‌پذیرد. سخن سرای یُمگان می‌گوید:

تو را زندان جهان است و تنت بندبر این زندان و این بند آفرین باد!

(همان)

آفرین (دعا) و نفرین، تَفأل و تَطییری است که چونان متن مشخص توفیق، تأیید و

پیروزی را برای فرد از پروردگار مسئلت می کردند و بیشتر موبدان زرتشتی در آغاز سال به پیشگاه شاه تقدیم می کردند.

بزرگان ایران زمین آفرین را جزیی از حمد و ستایش پروردگار یا رحمت و توفیق او برای انسان می دانستند. در فرهنگ عامیانه نیز آفرین و نفرین ضد هم هستند. «نا» نفی قبل از آفرین این دو را متضاد هم قرار می دهد. برای اثبات سخن نمونه های نابهره (نبهره)، ناسپاس (نسیپاس)، نا آهار (ناهار) را نیز می توان مثال زد.

شاملو در کتاب کوچه این واژه را بدون تشدید به معنای احسنت، بارک الله و مرحبا آورده است و به نسبت هیجان گوینده به «ف» تشدید می دهد و مثل منظوم زیر را برای آن آورده است:

عطای بزرگان ایران زمین دو تا بارک الله ست و یک آفرین

(شاملو، ۱۳۸۵: ۵۵۲)

در ادب رسمی و شاهانه آفرین و مدح با سود و زیان های متعددی همراه بود. سود از باب حفظ تاریخ، استنساخ آثار و ثبت و ضبط فرهنگ مردمی و زیان از آن جهت که فرهنگ تملق و چاپلوسی توسعه یافت. اگرچه مدح گاهی ناپسند می نماید اما میدانی برای هنرنمایی شاعر بود که پادشاهان و امیران را به پرداخت صله و انعام وامی داشت، استاد شاعران و پدر شعر فارسی - رودکی - می سراید:

آفرین و مدح سود آید همی گر به گنج اندر زیان آید همی

(امامی، ۱۳۸۱: ۱۶۲)

با این مقدمه و بررسی اجمالی واژه های آفرین و نفرین (ناآفرین) در قاموس فارسی به رویکرد عامیانه و مردمی آن می پردازیم.

### محتوای آفرین در ادبیات عامه بختیاری

ادبیات عامه یا عامیانه قسمت عمده ای از ادب و ادبیات هر کشور است. گستردگی ادبیات عامیانه بیشتر از ادبیات رسمی است. چون مخاطبان اصلی ادب عامه و پدید آورندگانش مردم و توده ها هستند. بررسی جامعه شناسانه، روان کاوانه و مردم شناسانه ی آن - که هر سه مبحث جداگانه اند - زمینه ی تجزیه و تحلیل افکار و

اندیشه‌ی هر قوم و ملتی را در این خصوص فراهم می‌نماید. به نظر می‌رسد دعا و نفرین، بخش فراموش شده‌ی فرهنگ عامیانه است. در دل داستان‌ها، افسانه‌ها، قصه‌ها و ترانه‌ها این دعاها خوب یا بد به کار می‌رود. در ادب رسمی و شاهانه نیز این دعاها جایگاه بسیار مهمی دارند. آنچه ما را برآن داشته است که در این خصوص مطالبی را ذکر کنیم فراوانی، عناصر و اجزای زبانی و طبیعی موجود در آن است. در این گفتار سعی شده است آفرین و ناآفرین را در ادب شفاهی مردم بختیاری بررسی نماییم. واژه‌ها، ترکیب‌ها، نکات بدیع و صنایع ادبی در این عبارات منثور زیبا و قابل تأمل هستند.

بر اساس یک بررسی در نمونه‌های گردآوری شده و متن‌های مورد مطالعه در این تحقیق محتوای آفرین‌های زنان و مردان قوم بختیاری به شرح زیر قابل تفکیک است:

- ۱- درازی عمر ۲- دعای خیر ۳- تقدیر و سپاس ۴- کار و تلاش ۵- سفر به خیری (مسافرت) ۶- در مرگ عزیزان (سوگواری) ۷- عروسی ۸- دعا برای کودکان ۹- آفرین برای اجسام و طبیعت ۱۰- آفرین حیوانات (اهلی)

برای این تقسیم بندی‌ها به نمونه‌های زیر از مردم گویشور لر بختیاری اشاره می‌شود:

#### الف) درازی عمر (خیر و نیکی دیدن در زندگی)

این قبیل دعاها و آفرین‌ها با محتوای طول عمر و خیر و نیکی در زندگی بیان می‌شود:

- ۱- پیر بای (پیر شوی)
- ۲- خیر ز عُرْمَتِ بینای (خیر از عمرت ببینی)
- ۳- خیر بوینی (خیر ببینی)
- ۴- خیر ز جوونیت بینای (خیر از جوانی ات ببینی)
- ۵- ز ای ره که اری خیر وانیات آها (از این راه که می‌روی خیر به پیشوازت آید)

### ب) تقدیر و سپاس

در مقابل انجام مطلوب کارها گفته می‌شود:

- ۱- دستت درد نکنه (نکند)
- ۲- سرت درد نکنه
- ۳- خدا خیر بدت<sup>۱</sup> (خدا به تو خیر دهد)

### پ) کار و تلاش

۱- بُر<sup>۱</sup> زیاد (محصولت فراوان باد) این عبارت دعایی هنگام دیدن کشاورزان در مزرعه و درو محصول بیان می‌شود. کشاورز هم در پاسخ می‌گوید عَرم زیاد (عمر زیاد).

۲- دون زیاد (گله‌ی شما زیاد باد) هنگام شیردوشی گوسفندان گفته می‌شود. دوو<sup>۲</sup> یا دون<sup>۳</sup> محلی است که در آن یک نفر سر گوسفندان یا بزها را می‌گیرد و یک زن یا چوپان آنها را می‌دوشد. به نسبت تعداد گوسفندان یک یا دو نفر یا بیشتر این کار شیردوشی را انجام می‌دهند. ممکن است همزمان دو زن این وظیفه را عهده‌دار شوند. افرادی نیز برای هدایت گوسفندان و جلوگیری از فرار آنها یا خوردن شیر از سوی بره‌ها و بزغاله‌ها اطراف آنها را احاطه کرده و می‌گیرند. بعد از شیردوشی آنها را میان بزغاله‌ها و بره‌ها می‌کنند تا باقی مانده‌ی شیر توسط آنها خورده شود.

عموماً کار شیردوشی هنگام غروب و بازگشت گله از چرا انجام می‌شود. اگر گله شب به چرا برود این کار هنگام ظهر انجام می‌شود. چرای شبانه را شوکَنی می‌گویند. دعای «دون زیاد» به مفهوم زیادی گوسفندان و گله است. در پاسخ نیز دعای عَرم زیاد بیان می‌گردد.

۳- دَس مَروسا (دست مریزاد). هنگام دیدن یا ملاقات کسانی که مشغول بافتن

۱. قسمتی از محصول گندم یا جو یا ..

قالی، خرسک، گبه یا سایر ابزار و صنایع دستی هستند، بیان می‌شود و در پاسخ سَرمَروسا (سر مریزاد) می‌شنوند.

آیین دیگری نیز برای مردان وجود دارد که به دخترکان جوان یا زنان بافنده در حال بافندگی پول یا تحفه‌ای می‌دهند که خود نوعی تشویق به امر کار و تلاش است و به آن سَرْتَمَداری می‌گویند. «تَمدار» دار قالی یا گبه و سایر بافته‌های عشایری چون چوقا، گلیم، هور، هورج، تیر، لت و... می‌باشد.

### ت) مسافرت

در گذشته با توجه به سختی سفر و وجود موانع مختلف در مناطق عشایری و راههای سخت‌گذر، رودخانه‌های خروشان، پرتگاههای بلند و حیوانات درنده عموماً دعاها و آفرین‌هایی بیان می‌شد که امروز نیز همچنان رایج است.

- ۱- خدا پَشت پَنات (خدا پشت و پناه تو)
- ۲- دست علی (ع) هُمَرات (دست علی (ع) همراه تو). این دعا از جنبه‌ی اعتقادی از شیعه‌گری بختیاری‌ها و علاقه‌مندی آنان به امام علی (ع) حکایت دارد. (بختیاری‌ها شیعه و دوازده امامی هستند)
- ۳- جاتِ عَلف سَوز (جایت علف سبز)
- ۴- ایمام حسین (ع) پَنات (امام حسین ع پناه تو)
- ۵- دست اِبْلُفَضل (ابلفرض) هُمَرات (دست ابالفصل همراه تو)
- ۶- تا دِل دات نَخو حار به پات نروه (تا دل مادرت نخواهد خار به پایت نمی‌رود)

### ث) هنگام مرگ نزدیکان

برای تسلی دادن بازماندگان در غم فقدان عزیزان دعاهای التیام بخشی وجود دارد که ابراز همدردی با صاحبان عزا و تعزیت است.

- ۱- سَرِت سَلَمَت (سرت سلامت)
- ۲- هرچه زِ عَرَمِ او کَمِ اوی سَرِ عَرَمِ تو (هر چه از عمر او کم شد، روی عمر تو)

### ج) عروسی

- ازدواج و عروسی پدیده‌ای مبارک و فرح‌بخش است و در فولکلور مردم بختیاری هم مانند سایر اقوام ایرانی به آن توجه بسیاری شده است.
- ۱- تا میهاتون چی دنداناتون اسبید نویده زیگ جدا مَباین (تا موهایتان چون دندان هایتان سفید نشده از هم جدا نشوید) که خطاب این دعا عروس و داماد هستند.
  - ۲- به پا یک پیر باین (به پای هم پیر شوید)

### چ) کودکان (نوجوانان)

- صداقت، لطافت و شیطنت کودکانه سبب می‌شود که انجام اعمال عادی یا حرکات بازی آنها موجب رضایت خاطر بزرگان شود. این دعاها برخاسته از این خواسته‌هاست:
- ۱- دات و بَووت داغته نبینان (پدر و مادرت داغت را نبینند)
  - ۲- دات سیت رود رود مَکنا (مادرت برای تو «ای فرزندم» نکند یا نگوید)
  - ۳- نیسی - نیسای (در مفهوم کنایی نمیری!)
  - ۴- نُم خدا (نام خدا - در مقام تحسین و تعریف)
  - ۵- ماشالا (ماشا الله)

### ح) تمجید و تعریف از اشیا

- زیبایی و ظرافت اشیا و تمجید از آنها در لباس الفاظ شیرین و جذاب دعاگونه به این شکل تجلی می‌کند. در برخی از این دعاها آرایه‌ی جان‌بخشی<sup>۱</sup> که خود نوعی استعاره است دیده می‌شود:
- ۱- حین خُدایه (خون خداست)



- ۲- گوویغمبره ( برادر پیامبر است )  
۳- گوو خُدایه (برادر خداست) واژه‌هایی که به خداوند متعال نسبت داده می‌شوند از جایگاه اعتقادی و ایمان عشایر حکایت می‌کند و نمی‌توان این گونه دعاها را کفرآمیز تلقی نمود.  
۴- خَط قرآنَه (خط قرآن است)  
۵- گِلِ مَکِیَه (خاک مکه است)  
تقدس و تنزیه مبانی اعتقادی و دینی این مردم را در عبارتهای بی‌ریا و ساده آنان می‌توان یافت.

### ساختار دعا و آفرین

در بررسی نمونه‌های ذکر شده می‌توان تقسیم بندی زیر را بر حسب ساختار و ریخت‌شناسی بیان کرد:

۱- از نظر جمله بندی که خود به دو شکل زیر تقسیم می‌شود:

الف) جمله (خیر و نیات: خیر پیش تو)

ب) شبه جمله (ماشالا)

۲- از نظر داشتن فعل:

الف) بدون فعل (ماشالا)

ب) بدون فعل (حذف به قرینه معنایی - دون زیاد)

پ) با فعل خیر بینای

ت) فعل با ساخت منفی (نپیسای)

۳- از نظر تعداد کلمه‌ها:

الف) یک واژه‌ای (ماشالا، نپیسای)

ب) دو واژه‌ای (خط قرونه: خط قرآن است)

پ) سه واژه‌ای (سرت درد نکنه)

ت) چهار واژه‌ای (خیر ز جوونیت بینای)

ث) پنج واژه‌ای و بیشتر (تا دل دات نَخو هار به پات نرُوا)

## زیباشناسی و آرایه‌های ادبی آفرین‌ها

از نظر زیباشناسی می‌توان برای آفرین‌ها و ناآفرین‌ها صنایع شعری یافت اما به جرأت نمی‌توان گفت که پدیدآورندگان عامی این ژانرهای فولکلوری در اندیشه‌ی تصنع و آفرینندگی هنری بوده‌اند چون ویژگی گویشی بختیاری با موسیقی اکولوژی و محیطی (اقلیم) آنان در پیوند است و متن گویشی این دعاها نوعی آرایه‌های ادبی و صنایع لفظی و معنوی را به همراه دارد. از جمله‌ی آرایه‌های بدیع می‌توان به تشبیه، کنایه و استعاره و آرایه‌های تضاد، مراعات نظیر و جناس اشاره نمود. برای نمونه آفرین زیر تشبیهی است که قرینه ملموس آن مشبه حذف شده است و ساخت استعاری یافته است:

گِلِ مَکِیَه (خاک مکه است)

## نفرین (ناآفرین)

نفرین‌های گردآوری شده در این پژوهش بیشتر از دعاها هستند و به نظر می‌رسد که بشر برای مقابله با سختی‌ها و حوادث به نفرین و دشنام متوسل می‌شود. موضوع‌های نفرین با همان تقسیم بندی در فرهنگ مردم بختیاری به صورت زیر قابل دسته بندی است: (این نفرین‌ها می‌تواند نفرین، بدگمانی، اعتراض یا مقابله با فرد یا جاندار مخاطب یا غایب را در خود نهفته داشته باشد)

الف) نفرین به انسان (ب) نفرین به حیوانات (پ) نفرین‌های مشترک انسان و حیوان

ت) نفرین به اجسام یا طبیعت

نفرین‌های انسانی از نظر محتوا به بخش‌های زیر قابل تقسیم است (با قدری تأمل انواع دیگری نیز می‌توان به آن افزود).

الف) مرگ

ب) بیماری

پ) نقص عضو و بلایای طبیعی

ت) شوخی و تعریف

ث) تحقیر

ج) حیوانات

چ) اشیاء

ح) نفرین به خود

اکنون به بررسی کاربردی و نحوه ی بیان عشایر و روستاییان بختیاری منطقه ی مورد تحقیق (شهرستان کوه‌رنگ - منطقه ی خوشاب زردکوه) اشاره می‌شود.

### الف) مرگ

این نفرین‌ها کُشنده و در نهایت بی‌رحمی و توأم با خشونت است. گاهی الفاظ به افزایش این خشونت کمک می‌کند.

۱ - ستاره ی بیست و یکم زَنَات (ستاره ی بیست و یکم تو را بزند). ستاره در بختیاری با آستاره تفاوت دارد به گونه‌ای که اگر منظور ستاره درخشان و نورانی آسمان باشد لفظ « آستاره » را به کار می‌برند اما اگر نحوست آسمانی و نجومی مورد نظر باشد لفظ «ستاره» را بیان می‌کنند. این نفرین ریشه در باورهای فلکی و نجومی عشایر و سعد و نحس بودن عناصر سماوی دارد.

۲ - زهر هلاهل (زهر کشنده) بیشتر هنگام صحبت کردن و اعتراض به گوینده ی جمله و سخن نامربوط گفته می‌شود.

۳ - آل بَورس (آل ببرش) آل افسانه‌ای مشترک بین اقوام و ملت‌های گوناگون است. در اندیشه ی فولکلوریک بختیاری‌ها زنی است که به زائو و نوزادش آسیب می‌رساند، عده‌ای هم آن را یک عقاب می‌دانند. (احمد سلطانی، ۱۳۷۱: ۷-۷۶)

۴ - یتیم یَسیر بای ( یتیم و صغیر شوی)

در منطقه ی بختیاری امامزاده‌های فراوانی وجود دارند که از اوج دینداری و یزدان پرستی این قوم حکایت می‌کنند و توسل جستن به آنها در نفرین یا آفرین‌های ایللیاتی از باورهای مذهبی آنان برمی‌خیزد.

۵- هَوَرت بَران (بیارن) ( خیر مرگت را ببرند یا بیاورند)

۶- بَووت (دات) - گووت میرا (پدر، مادر، برادرت ... بمیرند)

- ۷- خُدایِ نَداشْتُمَتی (ای کاش تو را نداشتیم - کنایه از مردن)
- ۸- آردِ گندمِ مِی هُونِه (هووه) بَووت پَهسا (پسا) (آرد گندم در خانه‌ی پدرت پخته شود)
- در قدیم به علت گرانی و کمبود گندم فقط در مراسم رسمی مثل عروسی یا فاتحه خوانی یا مهمانی مهم آرد گندم پخته می شد یا
- نون اسبید من حونت پهسا نان سفید در خانه ات پخته شود (قنبری، ۱۳۸۱: ۶۴۸)
- ۹- ز نُفْتِ کُوو هَوَا بای (بووی) (از لبه‌ی کوه پرت شوی) نُفْت به معنای دماغ و بینی است. جلوی پا و کفش و برخی چیزهای دیگر را نیز نُفْت می گویند: نُفْت پا (نوک پا) همان گونه که در زبان معیار دماغه به کار می رود.
- ۱۰- پَری پَنجه کوو زَنات (بت شوا) (پری پنجه‌ی کبود به تو بزند، به تو ضربه بزند) (احمدسلطانی، ۱۳۷۱: ۷۷)
- ۱۱- آستارهت ز آستمون کهنه (ستاره‌ات از آسمان بیفتد)
- بر اساس باور مردم بختیاری هر فرد در آسمان ستاره‌ای دارد که از آن اوست و با مرگش می افتد. گاهی نیز حرکت شهاب سنگ را حالت افتادن ستاره‌ی کسی (یعنی مرگ) می دانند.
- ۱۲- خدا ز ری ژمین وردارت (خدا از روی زمین برداردت)
- ۱۳- خَو وِر خَوُ روای (خواب به خواب بروی)
- ۱۴- نَداشْتُمَتی (ای کاش نداشتیمت)
- ۱۵- وَا بَا اُفْتُو روای (با آفتاب بروی، غروب کنی)
- ۱۶- گُفْتَر ز یو گُفْتَر نَبای (از این بزرگتر نشوی)
- ۱۷- جاسِ نَمَهْنی (جایش نمائی) خطاب به فرزندان بی عرضه فرد لایق
- ۱۸- غَبُو بای (غیب شوی)
- ۱۹- سَلاتین (سرطان)

### ب) بیماری

گاهی نفرین به قصد حداکثر بیمار کردن فرد بیان می شود و شخص حاضر به

سختی و رنج ناشی از زیان و خسارت جسمی و فیزیکی است.

- ۱- روز خَشْتِ دندونِ دَرْدتْ با (روز خوش تو دندان دردت باشد)
  - ۲- دَلتْ به دَرْد آ (دلت به درد بیاید)
  - ۳- کَهَمیر زَناتْ (کوهمیر بزندات) نوعی بیماری دامی است و همچنین به معنی کوه مرگ؛ مرگی که در کوه اتفاق می‌افتد
  - ۴- جِنْدونِ بَرانس (جن‌ها بیرنش)
  - ۵- پَر دیزِتْ زَنّا (پری به پرو و پای تو بزند) گاهی نیز از سر تحبیب یا عاطفه گفته می‌شود
- این نفرین را هنگام قهر کودکان و لجبازی آنان می‌گویند.
- ۶- چَلْمه برات (چلمه ببردت) نوعی بیماری که در آن فرد سست و بی‌حال می‌شود که در این حالت آرد خمیری درست کرده و روی بدنش می‌گذارند.
  - ۷- کَرْمْ به لاشْتْ اُوفتا (کرم به بدنت بیفتد)
  - ۸- تِیاتْ (تیّهات) اسبی (اسبید) (چشمه‌های سفید شود)
  - ۹- زتْ نا اُمید بامْ (از تو نا امید شوم) مایوسی و ناامیدی می‌تواند به دلایل مختلف از جمله بیماری باشد.
  - ۱۰- اَو پَنْدوْ بای (تاوول بزنی). بر اثر بیماری یا هر چیز دیگری تمام بدنت تاوول بزند.
  - ۱۱- ریشْ من گَلیتْ وِسْتْ (زخم در گلویت افتاد)
  - ۱۲- آتَشکْ خُورایْ (آتَشک بخوری) نفرین کردن کسی که مشغول خوردن چیزی است.
  - ۱۳- نه سَلام و نه عَلیک، رَنجْ و رُبْنه ناتْ (نه سلام و نه علیک، رنج بیخ گلویت) وقتی فردی به ظاهر گناهکار یا خطاکار به افراد طلبکار از خود در جمعی سلام کند.
  - ۱۴- نابود بای چی سَر کَچَلْ و تُوله‌ی تَوِسْتُونْ (مثل سر کچل و توله‌ی تابستان نابود شوی)

توله گیاه مخصوصی است که در مناطق شمالی خوزستان، شوشتر، دزفول و نواحی بختیاری نشین (مسجد سلیمان) مصرف غذایی دارد.

۱۵- تَوو گپْ کُنای (تب بزرگ بکنی) تب طولانی مدت کودکان که گاهی چند هفته ادامه می یابد.

۱۶- مُچولُ بای (مچاله شوی) نفرینی که برای لاغری، ضعف و تحلیل بدن فرد گفته می شود.

۱۷- خُدا سیتْ نَخا (خدا برایت نخواهد) باور این است که هر خوب و بدی از خداست و ما در این زمینه با خواست خدا همراهیم.

۱۸- سَلَمَتْ (سَلَمَت کار نَکُنای) (به سلامتی کار نکنی)

۱۹- دِلْتِ چی دِلْمْ با (دلت چون دلم شود: درد مند شوی)

#### پ) نقص عضو و بلاهای طبیعی

۱- کور بای (کور شوی)

۲- چَلِ مرکْ بای (دستت از بازو آویزان یا قطع شود)

۳- دِیَلَقْ به هُووه بَووت (آتش در خانه ی پدرت)

۴- رُوْتْ بُرا (رانت ببرد)

۵- سَر فُرومات رُوای (بمیری) این نفرین در مقام نابودی کلی بر اثر حادثه یا سیل بنیان کن است.

۶- تیر کُووندار زَنات (تیر کماندار بزندت)

#### ت) شوخی و تعریف

این نفرین ها با محتوای شوخی و از سر تعریف توأم با نوعی تضاد بیان می شود.

۱- تَشْ به کارت (آتش به کار تو!)

۲- تَشْ گَریده (آتش گرفته)

دوش دیدم که خس به خس ایگد      تش گریده چَقَدْ تی کال

دیروز دیدم که با خود می‌گفت: آتش گرفته چقدر چشم کال - قشنگ - است  
(ریسی بختیاری، ۱۳۷۰: ۵۸)

۳- خَیرتْ نی (خیرت نیست یا نباشد)  
۴- وُلاَ که ( والله که ... )  
نوعی صوت به معنای جای تعجب است.  
۵- گُرگ خُوراتْ (گُرگ بخوردت) خطاب به کودکان این نفرین از سر شوخی و  
اظهار لطف نیز می‌باشد .

### ث) تحقیر

این قبیل نفرین‌ها با نوعی حالت تحقیر آمیز و اهانت ابراز می‌شود. عبارات این قبیل  
نفرین‌ها کوتاه و تند و با صیغهی مخاطب بیان می‌شود.

۱- هُلا مِنْ سَرْتْ (خاک بر سرت)

۲- تَشْتْ کور (آتش تو خاموش)

این نفرین بازمانده‌ی باور باستانی ایران است که خاموش کردن آتش گناه و نشانه‌ی  
ناتوانی است و از رگه‌های فکری و اندیشه‌های مذهبی مردمان این دیار قبل از تشرف  
به دین مبین اسلام حکایت دارد. هنوز بختیاری‌ها به عناصر طبیعی همچون زمین،  
آسمان، ماه، ستاره، نور خورشید، آتش، روشنایی، خاک و... سوگند می‌خورند (قبری،  
۱۳۸۱: ۱۳۵)

۳- میهات (ترنه‌هاته) کنای (موهایت را بکنی) کنایه از عزاداری زنان بختیاری برای  
مرگ عزیزان و نزدیکان گیسوان خود را می‌برند یا برچهره ناخن می‌کشند. (داستان  
رستم و سهراب و حالت تهمینه)

۴- شیونْ گرات (شیون بگیردت)

۵- وُرْ تُرسِ روای (به راهش بروی) نفرین به یک واقعه معروف

۶- نَزَنای، نَگوهی، نَخووی ... (نزنی، نگویی، نخوانی ...) این گونه نفرین هنگام

نارضایتی از انجام کار بیان می‌شود.

۷- قَتَلته بَکَن (گورت را گم کن)

۸- نَبینامت (نبینمت)

## ج) حیوانات

چون عشایر بختیاری در زندگی خود با احشام و دام‌ها سروکار دارند به هنگام سختی و رنج به آنها نفرین می‌کنند. گوسفند، بز، اسب، قاطر، گاو، سگ و ... حیواناتی هستند که با انسان بیشترین رابطه‌ی کاری را دارند. (همین حیوانات گاهی چنان عزیز و دوست داشتنی می‌شوند که با الفاظ محبت آمیز خطاب می‌گردند)

- ۱- شاخت کهن (شاخت بکند)
- ۲- دینت کهن - برا (دمت بکند یا ببرد)
- ۳- ژووت بُهرا (زبان ببرد)
- ۴- گرگی بان (گرگی شوند) برای گوسفندان و حیواناتی که چوپان را اذیت کنند.
- ۵- گُگ خوراس (گُگ بخوردش)
- ۶- کله پاچته خورام (کله پاچه‌ی تو را بخورم)
- ۷- کارد به تیشنیت (کارد به گلویت)
- ۸- گردنت به گم گرگ (پلنگ یا ... (گردنت به دندان گرگ، پلنگ یا ...)
- ۹- یمان (یامان) نفرینی مشترکی بین انسان و حیوان است ولی در اصل به قاطر گفته می‌شود.

## چ) اشیاء

هنگام کار و سختی یا در حال خستگی به اشیاء و کالاها نیز نفرین گفته می‌شود. نفرین انسان به اشیاء به ویژه ابزار و وسایل کار و زندگی با رویکرد کوچ و جابجایی متمادی و سریع لوازم قابل تأمل و تحقیق است. عشایر تمام یا بخش عمده‌ای از اسباب و اثاثیه خود را از بیلاق به قشلاق و به عکس منتقل می‌کنند.

- ۱- جات مهن (جایت بماند) وقتی کسی به چیزی خیلی دلبستگی داشته باشد.
- ۲- او لَفُو بَراس (سیل ببردش)



- ۳- به یه وارگه دیری مَهنا یا جاوارگه مهنا (به منزلگاه - بارگاه - دوری بماند یا جای منزلگاه بماند)
- ۴- هیرد و تلو با (خورد و خراب شود)
- ۵- آهنت خُدا - لهنت خدا با (لعنت خدا - لعنت خدا شود)
- ۶- نَو بَمَهنی (نَو بمانی)

### ح) خود

- انسان از سر خشم و یا از سر مهر و پشیمانی از کرده‌ی خود گاهی نفرین‌های تندی را خطاب به خود بیان می‌کند. این نفرین‌ها ریشه در ناکامی‌ها و غم و غصه از کرده‌ها یا ناکرده‌ها دارد.
- ۱- سَرُم خورای (سرم را بخوری) سرخوری کنایه از ماندن پس از کسی در این دنیا است.
- ۲- خَلوامه پَزای (خلوایم را بپزی) کنایه از مردن و پختن حلوای فاتحه‌ی کسی است.
- ۳- دَرَدِت خُورام (دردت را بخورم)
- ۴- دَرَدِت چینام (دردت را بچینم)
- ۵- نَبینایم (مرا نبینی)
- ۶- بی دا بای (بی مادر شوی) هنگامی که کودکی رنجی ببیند یا خیلی گریه کند مادر در مقام تحبیب به خود نفرین می‌کند. مشابه خدا مرگم بده یا خاک به سرم.
- ۷- دات میرا (مادرت بمیرد) در مقام تحبیب به خود یا دیگری گفته می‌شود.

### ساختار نفرین

نفرین‌ها و آفرین‌ها از نظر ساختاری با اندکی تفاوت تقریباً مشابه یکدیگرند که می‌توان آن را از خصوصیات موسیقایی و درون‌مایه‌ای نفرین‌ها دانست. نفرین‌ها در عبارت‌های کوتاه‌تر و بسامد واژگانی با رویکرد دعایی و تند بیان می‌شوند. موسیقی در

نفرین به دلیل لحن آن، تیزی، تندی گوینده و هیجان درونی، خشم و کوبندگی بیشتری دارد و در این پژوهش چنین به نظر می‌آید که تعداد نفرین‌ها بیش از دعا و آفرین است که شاید از قوه‌ی قهریه و مقابله بشر با طبیعت سرسخت، ناملایمات و نامرادی‌های زندگی که خاص مناطق عشایری و کوهستانی است سرچشمه گرفته باشد.

### آرایه‌های ادبی در نفرین‌ها

از نظر ادبی بررسی درون‌مایه‌ی متن نفرین‌های گردآوری شده در این پژوهش نشان داد که آرایه‌ی کنایه بیش از سایر آرایه‌ها در نفرین‌های مردم بختیاری خودنمایی می‌کند چون کارکرد کنایه در بیان انسان‌ها بسیار پر نفوذتر از سخنان صریح و آشکار است. (الکنایه ابلغ من التصریح) ژانر نفرین بیشتر به صورت خطابی و مستقیم از گوینده به شنونده ادا می‌شود اما گاهی نیز به صورت آرایه‌ی التفات در فضای اجرا به کار گرفته می‌شود.

### نتیجه‌گیری

فولکلور مردم بختیاری گنجینه‌ی بسیار عظیمی است که می‌تواند از نگاه جامعه‌شناسانه و مردم‌شناسانه مورد بررسی قرار گیرد. عناصر و واژه‌های به کار گرفته شده در متن‌های آفرین و نفرین‌ها، سوگند، باورها و... نشان می‌دهد که این مردم الفاظ و مفاهیم خود را از محیط اطرافشان می‌گیرند، با اندیشه‌ها و افکار خود می‌پروراند و کارکردهای متنوعی را از آن طلب می‌کنند. اگر به ساختار، محتوا، کارکرد و درون‌مایه‌ی ادبی و هنری این دو گونه فولکلور مردم کوهستان‌های بختیاری تحلیلی چند جانبه و روشمند بیفزاییم در می‌یابیم که سادگی در ساخت و تنوع در مفاهیم و کاربردها ما را با دنیای شگفت‌انگیز فولکلور آشنا تر می‌کند.

این عبارتهای ساده که از خدای تعالی، پیامبر اکرم (ص)، امامان و امامزادگان یا چهره‌های مقدس درخواست می‌شود، زبان عجز یا سپاس‌گسائی است که در کوهها و دشتها ساکن‌اند و سالی دوبار به جبر طبیعت کوچ می‌کنند. اگر پژوهشی گسترده‌تر در

طوایف مختلف این ایل و مناطق پهناور بیلاق و قشلاق بختیاری صورت می‌گیرد می‌توان متن‌های دست اول و تازه‌ای را برای تحقیقات و مطالعات مردم شناسان و قوم نگاران فراهم نمود.



## فهرست منابع

- احمد سلطانی، منیره (۱۳۸۴) ژرف ساخت فرهنگ عامه ایرانی، تهران: نشر روزگار.
- امامی، نصرالله (۱۳۸۱) استاد شاعران: رودکی، تهران: جامی.
- انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۱) گذری و نظری در فرهنگ مردم، تهران: انتشارات اسپرک.
- ثروت، منصور (۱۳۶۴) فرهنگ کنایات، تهران: امیرکبیر.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲) لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ریسی بختیاری، داراب (۱۳۷۰) گلبانگ بختیاری، تهران: انتشارات عشایری.
- طیبی، حشمت اله (۱۳۸۴) مبانی جامعه شناسی و مردم شناسی ایلات و عشایر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۸۱) امثال و حکم بختیاری، شهرکرد: ایل.
- معین، محمد (۱۳۶۴) فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
- همایی، جلال الدین (۱۳۶۴) فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: نشرهما.